

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

تنظیم و ویرایش: پورتال

بدرشت!!!

(از بخش دوم «فریاد اسیر»)

به گرگی بگفتند، ای تیره رای!
چه لازم ز خون کسان ریختن
ز آزار مردم، چه بُردی ثمر
چه حاجت به این زشتخوئی دگر
بسی خانه ها کز تو ویران شده
بسی مادران کز تو دیده ست داغ
بسی دیدم کز توست با اشک، تر
چو ز آغوش بردیش، زیبا پسر
گهی رمه را میکنی تار و مار
گهی قلب چوپان، دری بی سبب
گهی میبری بر سر بام و در
گهی میزنی در صف قافله
به صد گونه تزویر و مکر هنر
اگر آدمیزاد، اگر گاو و خر
گهی در وی سخنان را نباشد اثر
به نرمی و خوبی، نه با شور و شر
چه خوش گری به مردم بیامیختی
دل هیچ کس از تو آرام نیست
چو تو خیره سر، هیچ موجود نیست
چه خوش گری به مردم بیامیختی

بگفتار کنون وقت گفتار نیست ببین رمه ام دور شد از نظر
مجالم بده تا شکاری کنم که ناید چنین طعمه، چنگم دگر
ازین بهترم روز، ناید به دست که چوپان به خواب است و سگ بیخیر

«درختی که تلخ است وی را سرشت» اگر ز آب چشمت نمائیش تر
«همان میوه تلخ بار آورد» نگردد میسر، ز بارش شکر
چو دست قضا، جنس گرگ آفرید به او کرد تخمیر صدها خطر
ز بدطینتان مهربانی خواه که بد را نباشد ز نیکی اثر
به گفتار نیکو، نگردد درست
کسی را که بنیاد خام است و سست

(م. نسیم «اسیر» - کابل عزیز، ۲۲ قوس ۱۳۳۳ ش)